

The Semantic Frames of the Verb “Absara” (beholding) in the Holy Quran and their Persian translations (Based on Charles Fillmore's the Semantic Meaning Theory)

**Maryam Bakhshi¹, Mohammad Reza Eslami², Hasrat Omoyi³,
Mohammad Pashaie⁴**

^{1,2,3.} Department of Arabic Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

^{4.} Department of Persian Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

Abstract

Semantic science in the search for meaning has a profound relationship with translation science and is one of the methods to review and criticize translation. The present article is an attempt to study the semantic frames of the verb “Absara” (beholding) in the Quranic verses of the Holy Quran and their Persian translation according to the Fillmore's semantic meanings theory (Ansarian, Fooladvand, Khorramshahi & Makarem shirazi). In the Quranic examples under research, the verb “Absara” (beholding) has a visual-perceptual semantic frame as the central semantic frame and six cognitive formats of seeing, looking, understanding, thinking, illuminating, and discerning that its primary basis is seeing with eyes on the head. The outcome of the research shows that the translators were unanimous in three semantic formats (seeing, illuminating & looking) and paid attention to the context of the verse in which the verb is used. But in the semantic format of "understanding" and "discerning," none of them carefully considered the context of the verse. And only Khorramshahi translated correctly the semantic form of thinking based on Syntagmatic Relationships.

Keywords: Holy Quran, Translation Criticism, Charles Fillmore's the Semantic Meaning Theory, The verb (Absara).

قالب‌های معنایی فعل «أَبْصَرَ» در قرآن کریم و بررسی ترجمه آنها

بر پایه نظریه معناشناسی قالبی چارلز فیلمور

مریم بخشی^{۱*}، محمدرضا اسلامی^۲، حسرت اومویی میلان^۳، محمد پاشایی^۴

۱ و ۲- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

m.bakhshi8@gmail.com, Mr.eslamy@yahoo.com

۳- کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

mr.samad1397@gmail.com

۴- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

m_pashaie@yahoo.com

چکیده

علم معناشناسی در پی یافتن معنا، ارتباط عمیقی با علم ترجمه دارد و یکی از روش‌های بررسی و نقد ترجمه است. مقاله حاضر در چهارچوب نظریه معناشناسی قالبی چارلز فیلمور، تلاشی است برای بررسی قالب‌های معنایی فعل «أَبْصَرَ» در آیات قرآن کریم و بررسی ترجمه فارسی آن (انصاریان، فولادوند، خرمشاهی و مکارم شیرازی). در نمونه‌های قرآنی بررسی شده، فعل «أَبْصَرَ» دارای یک قالب معنایی دیداری - ادراکی به‌عنوان قالب معنایی مرکزی و شش قالب شناختی دیدن، نگرستن، درک کردن، اندیشیدن، روشنایی بخشیدن و بصیرت یافتن است که پایه ابتدایی آن، همان دیدن ظاهری با چشم سر است. نتایج این بررسی نشان می‌دهند مترجمان در سه قالب معنایی (دیدن، روشنایی بخشیدن، نگرستن) اتفاق نظر داشته‌اند و به بافت آیه‌ای توجه داشته‌اند که فعل مدنظر در آن به کار رفته است؛ اما درباره قالب معنایی «درک کردن» و «بصیرت یافتن»، هیچ کدام به بافت آیه دقت نظر نداشته‌اند و درباره قالب معنایی اندیشیدن، فقط خرمشاهی براساس بحث هم‌نشینی الفاظ، ترجمه صحیحی ارائه کرده است.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، نقد ترجمه، معناشناسی قالبی چارلز فیلمور، فعل «أَبْصَرَ».

طرح مسئله

در فرآیند ترجمه، اساسی‌ترین گام پس از مراجعه به فرهنگ لغت و یافتن معنای واژه، توجه به بافت کلامی واژه به‌کاررفته است. مترجم ممکن است با فعالی روبه‌رو شود که دارای چندین معنا در قالب‌های مختلف باشد؛ از این‌رو توجه به افعال چندمعنا و ارائه ترجمه صحیح آنها، اهمیت زیادی دارد. ویژگی اصلی افعال چندمعنا، وجود تنوع معنایی است که در بین این معانی، ارتباط و نقاط مشترک به وجود می‌آورد (عموزاده و کریمی دوستان و شریف، ۱۳۹۵، ص ۱۱۸). درحقیقت، چندمعنایی^۱ با توجه به مفهوم مقولات شعاعی توصیف می‌شود (لیکاف، ۱۹۸۷، ص ۸۴؛ به نقل از افراشی و صامت، ۱۳۹۳: ۳۸). بر اساس این، برای مقوله متشکل از معانی یک واژه چندمعنی، ساختاری مدور تصور می‌شود که مفهوم پیش‌نمونه در کانون آن قرار دارد و سایر معانی که هریک به دلیلی با این مفهوم کانونی تفاوت دارند، در فواصلی از کانون، روی شعاع این دایره قرار می‌گیرند. شباهت خانوادگی موجب می‌شود این معانی در چنین ساختار مقوله‌ای قرار بگیرند. این نگرش، مدلی برای بررسی چندمعنایی ارائه می‌دهد که در آن یک یا بیش از یک معنی از جایگاه کانونی تری برخوردارند (افراشی و عسگری، ۱۳۹۶، ص ۶۴)؛ از این‌رو اصطلاح چندمعنایی، نگرشی نو به افعال چندمعنا است که معنای مرتبط به هم دارند و براساس بافت و ترکیبی که به کار رفته‌اند، معنای فعل تعیین می‌شود. به بیان دیگر، تفاوت‌های محسوسی بین معانی افعال چندمعنا وجود دارد که باید آنها را شناخت و به‌ویژه در امر ترجمه نباید آنها را به جای هم به کار برد.

شبکه معنایی قالب بنیاد^۲ چارلز فیلمور^۳ شبکه‌ای است که معنی یک واژه را با توجه به ساختار مفهومی (قالب^۴) آن واژه مشخص ارائه می‌دهد. فیلمور معتقد است معناشناسی قالبی^۵ روش اصولی برای ارتباط بین تحلیل‌های زبانی و دانش بشر از هر بخش زبان است (دلارامی‌فر، ۱۳۹۶، ص ۸۰).

از جمله چالش‌های پیش‌روی مترجمان، وجود واژگان چندمعنا در قرآن است. به سبب اینکه با نظریه قالب بنیاد فیلمور، رابطه میان معانی مختلف یک واژه چندمعنا بررسی و به تصویر کشیده می‌شود، نگارنده بر آن است با استفاده از این نظریه نشان دهد قالب‌های معنایی فعل «أَبْصَرَ» (باب افعال فعل بَصَرَ) در ترجمه‌های مختلف با توجه به روابط هم‌نشینی و جان‌نشینی این فعل با دیگر الفاظ، دارای معانی مختلفی است. این روابط معنایی از وجود جزءهای هسته یکسان در بین قالب‌ها سرچشمه می‌گیرد که تا کنون به این تشابه در بین مفاهیم مختلف افعال چندمعنا کمتر پرداخته شده است. بنابر اهمیت پیوند واژگان در بافت زبانی و توجه داشتن به تفاوت‌های معنایی میان واژگان هم‌معنای یک زبان در ترجمه قرآن کریم، در پژوهش حاضر با رویکرد زبان‌شناسی شناختی و بر پایه نظریه معناشناسی قالبی چارلز فیلمور، قالب‌های معنایی فعل «أَبْصَرَ» ابتدا در زبان عربی و در زبان قرآن، سپس در ترجمه فارسی مکارم شیرازی، خرمشاهی، انصاریان و فولادوند بررسی شده‌اند. نیز در خلال آن به پرسش‌های زیر پاسخ داده شده است: فعل «أَبْصَرَ» در بافت آیات قرآنی و با توجه به هم‌نشینی کلمات، دارای چه قالب‌های معنایی است؟

^۲ - Frame Semantics
^۳ - Charles J. Fillmore
^۴ - frame
^۵ - frame semantics

^۱ - Polysemy

کدام یک از مترجمان، در ترجمه به نقش بافت زبانی واژگان با یکدیگر توجه کرده‌اند؟
کدام یک از قالب‌های معنایی فعل «أَبْصَرَ»، به صورت صحیح در ترجمه مترجمان منتخب رعایت شده است؟

۱- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های فراوانی با رویکردهای متفاوت زبان‌شناختی و نقد ترجمه درباره قرآن کریم انجام شده است؛ اما درباره بررسی حوزه شبکه معنایی فعل «أَبْصَرَ» با استناد به نظریه معناشناسی قالبی، پژوهشی صورت نگرفته و نیز ترجمه فارسی این فعل و مشتقات آن تا کنون بحث و بررسی نشده است. در اینجا به پژوهش‌های انجام‌شده با رویکرد معناشناسی و ترجمه اشاره می‌شود:

«بصیرت در قرآن با تکیه بر آیه ۱۰۸ سوره یوسف»، محمدرضا ستوده‌نیا، مطالعات قرآن و حدیث، سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان، ۱۳۸۸. در این مقاله به واژه بصیرت و مشتقات آن از جمله بصر پرداخته شده و بدون در نظر گرفتن مدلی، یکی از معانی آن، دیدن با چشم سر معرفی شده است. این مقاله از کنار فعل «بصر» با اشاره بسیار کوتاه گذر کرده است.

«تحلیل چندمعنایی افعال زبان فارسی براساس نظریه قالب‌های معنایی»، الهام فتحی چقازاده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، تهران، راهنما: آزیتا افراشی، ۱۳۸۹. پایان‌نامه حاضر، چندمعنایی افعال زبان فارسی را براساس نظریه قالب‌های معنایی فیلمور بررسی کرده است.

«معناشناسی بصیرت در نهج البلاغه»، عباس

مصلاهی پور یزدی و همکاران، فصلنامه کتاب قیّم، سال چهارم، ش ۱۰، ۱۳۹۳. مقاله مذکور معناهای لغوی واژه بصیرت را همراه با همنشین‌های آن در نهج البلاغه بررسی کرده که البته نتایج و رویکرد این مقاله با مقاله پیش رو متفاوت است.

«بصیر و هم‌خانواده‌های آن در قرآن، معناشناسی واژگان با رویکرد ساخت‌گرا»، فرزانه اسلامیان، دو فصلنامه صحیفه مبین، شماره ۵۹، سال بیست‌ودوم، بهار و تابستان ۱۳۹۵. در این مقاله با تکیه بر واژه بصیر، رویکردی متفاوت و نتیجه‌ای متفاوت با مقاله پیش رو دارد و نتیجه آن این است که بصیربودن خدا به معنای علیم، حکیم، لطیف، خبیر و محیط‌بودن اوست. و بصیربودن انسان به این معناست که دارای قوه تعقل باشد.

«قالب‌های معنایی فعل «رأی» در آیات قرآن کریم و برگردان فارسی "بر پایه نظریه معناشناسی قالبی چارلز فیلمور"» از فرزانه حاج قاسمی و نصرالله شاملی، دو فصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۳، شماره ۶، ۱۳۹۵. تشابه این مقاله با مقاله پیش رو در استفاده از نظریه، واحد بوده و با توجه به عنوان، هر کدام به بررسی فعل‌های متفاوتی می‌پردازند. نتایج این پژوهش، نشان می‌دهد ترجمه ارائه‌شده مترجمان گاهی متفاوت و گاهی مشابه است؛ ضمن آنکه گاهی مترجمان برای ارائه ترجمه به روابط هم‌نشینی و جانشینی توجه داشته‌اند و گاهی به آن توجه نکرده‌اند. شایان ذکر است مقاله مذکور الگوی کار پژوهش حاضر است.

«شبکه شعاعی معنای دیدن در خطبه‌های نهج البلاغه بر پایه معناشناسی شناختی قالبی "بررسی موردی فعل رأی با تکیه بر ترجمه‌های دشتی، جعفری

از دیرباز و شاید از زمان نگارش نخستین واژه‌نامه‌ها، واژگان نگارها به طور عملی با این پدیده واژگانی و معنایی سروکار داشته‌اند. همچنین اینکه ذیل مدخل یک واژه کدام معنای آن باید درج شود، اذهان واژگان نگارها را به خود مشغول کرده است (همان، ص ۳۶). چندمعنایی اصطلاحی در زبانشناسی است که برای واژه، صرفاً یک معنای معجمی در نظر نمی‌گیرد؛ بلکه مؤید این مطلب است که یک واژه ممکن است دارای چندین معنی مرتبط به هم باشد که براساس ترکیب و بافت به کاررفته در آن، یکی از آن معانی بروز می‌کند. «لیکاف چندمعنایی را براساس نظریه مقولات شعاعی بررسی کرد» (مشکین فام و دهقانی، ۱۳۹۷، ص ۵).

۲-۲- شبکه شعاعی

اصطلاح چندمعنایی، ما را وارد مقوله شعاعی زبانشناسی شناختی و به تبع آن معنانشناسی شناختی می‌کند (حاجی قاسمی و شاملی، ۱۳۹۵، ص ۶۵). منظور از مقولات شعاعی این است که معانی جداگانه در پیرامون یک معنای مرکزی یا پیش‌نمونه تشکیل می‌شوند (اوانز و گرین، ۲۰۰۶، ص ۳۳۱). ارتباط معانی گوناگون واژه‌ها موجب شد زبانشناسان شناختی، معنا را به صورت شبکه‌ای در نظر بگیرند که به آن شبکه شعاعی معنا می‌گویند (قائم‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۳۱۰). به بیان دیگر، معنای واژه‌ها درباره یک معنای مرکزی شکل می‌گیرند و این معنای مرکزی معنای دیگری را می‌سازد؛ با تکثیر این معنای شبکه‌ای ساخته می‌شود که شبکه شعاعی نام دارد (اوانز و گرین، ۲۰۰۶، ص ۳۳۳). در چارچوب شبکه شعاعی یک واژه، شعاعی از معنای شکل می‌گیرد که هر کدام

و شهیدی^{۱۱}، نصرالله شاملی و فرزانه حاج قاسمی، پژوهشنامه نهج البلاغه، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۶. مقاله مذکور همچون مقاله قبلی، صرفاً در استفاده از نظریه معنانشناسی قالبی چارلز فیلمور با مقاله پیش رو مشابه است و شبکه شعاعی فعل رأی را در خطبه‌های نهج البلاغه بررسی کرده است.

«روابط معنایی فعل "گرفتن" در زبان فارسی: رویکرد معنای‌شناسی قالب‌بنیاد فیلمور (۱۹۹۷)»، منصوره دلارامی فر و همکاران، پژوهش‌های زبانی، دوره هشت، شماره شش، ۱۳۹۶. این مقاله معنای فعل «گرفتن» را در زبان فارسی براساس معنای‌شناسی قالب‌بنیاد فیلمور بررسی کرده است.

۲- مباحث نظری پژوهش

از مباحث مهم زبان‌شناسی، موضوع چندمعنایی است؛ به این معنا که دلالت‌های یک واژه بر معنای مختلف را بررسی می‌کند. در این بررسی، چندمعنایی، ما را به موضوع شبکه شعاعی رهنمون می‌کند. ارتباط معانی گوناگون واژه‌ها، به وجودآورنده شبکه شعاعی معنا است؛ اما هر واژه می‌تواند در بافت‌های گفتاری متفاوت و براساس بحث هم‌نشینی واژه‌ها، قالب معنایی و مفهومی مختلف و غیر از معنای مرکزی دارد. در ذیل هر کدام از این مفاهیم و اصطلاحات ذکر شده‌اند:

۲-۱- چندمعنایی

چندمعنایی واحدهای واژگانی، پدیده‌ای جهانی است که در همه زبان‌ها، از خانواده‌های زبانی متفاوت و در تمام دوره‌های تاریخشان اتفاق می‌افتد (افراشی و صامت، ۱۳۹۳، ص ۳۰)؛ اینکه یک واژه معنای متفاوتی دارد، کشف تازه‌ای نیست و مسئله‌ای است که

مفهومی مختلف و غیر از معنای مرکزی^۲ خود داشته باشد؛ بنابراین، بافت موقعیتی گفتار در بسط معنای قاموسی واژگان تأثیر بسزایی دارد. معنای یک واژه با در نظر داشتن واژگان مرتبط با آن شناخته می‌شود» (حاجی قاسمی و شاملی، ۱۳۹۵، ص ۶۲). به بیان دیگر، درست است که برای یافتن معنای یک واژه باید به فرهنگ لغت مراجعه کرد و این فرهنگ لغت است که معنای واژه را تعیین می‌کند، اما زمانی که واژه‌ای در کنار واژگان دیگر قرار گیرد و در ترکیب و بافتی متفاوت با بافت قبل استفاده شود، این هم‌نشینی روی معنای واژه و تولید مفهوم جدید تأثیر می‌گذارد؛ از این رو برای فهم و ترجمه متن باید به این نکته توجه شود. برای بیان ارتباط اصطلاح‌های چندمعنایی و شبکه شعاعی و روابط هم‌نشینی، باید گفت چندمعنایی این است که یک واژه دارای چندین معنا باشد. شبکه شعاعی حالت پیشرفته اصطلاح چندمعنایی است. در شبکه شعاعی یک معنای مرکزی در نظر گرفته می‌شود که معانی دیگر به صورت شعاعی با آن مرتبط‌اند و براساس بافت گفتاری و روابط هم‌نشینی یکی از چندمعناها انتخاب می‌شود.

۲-۴- نظریه معناشناسی قالبی فیلمور

یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم زبان‌شناسی شناختی مفهوم «قالب» است. این بحث را نخستین بار، فیلمور در زبان‌شناسی شناختی مطرح کرده است. او در مقاله‌ای با عنوان «معناشناسی قالب» این مدل را مطرح کرد.

به نظر فیلمور، عامل بسیار مهمی در معناشناسی نقش دارد که نظریات قبلی آن را نادیده گرفته‌اند. این عامل، «قالب» است. ما معانی عبارت‌های زبانی را به

در بافت و موقعیت مناسب خود هویت می‌یابند. به بیان دقیق‌تر، «نکته حائز اهمیت اصطلاح شبکه شعاعی و هم‌معنایی، در معناشناسی شناختی، آن است که هر واژه می‌تواند در بافت‌های گفتاری متفاوت، قالب معنایی و مفهومی مختلف و غیر از معنای مرکزی خود داشته باشد» (حاجی قاسمی و شاملی، ۱۳۹۵، ص ۶۲).

۲-۳- روابط هم‌نشینی

روابط هم‌نشینی یکی از نشانه‌های زبانی است که مربوط به ترکیب کلمات در جمله با کلام و نسبت‌های همجواری آنهاست. واژگان در طول کلام، به دلیل زنجیروار بودنشان با یکدیگر در تماس‌اند. به کلماتی که در جوار یک کلمه قرار گرفته‌اند، کلمات هم‌نشین آن کلمه گفته می‌شود (صفوی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۹-۱۱۷). به بیان دیگر، به ارتباط معمولی یک واژه با واژه‌های معین و خاص دیگر در زبان، هم‌نشینی گفته می‌شود (مختار عمر، ۱۴۲۷، ص ۷۴)؛ مثلاً «هدایت» در آیه (إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَرَدَّنَاهُمْ هُدًى) (کهف: ۱۳) به معنای «ایمان» و در آیه (فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (بقره: ۳۸) به معنای «پیامبران و کتاب‌های آسمانی است که تشخیص هریک، وابسته به سیاق و بافت زبانی واحدهایی است که روی محور هم‌نشینی در ترکیب با هم قرار گرفته‌اند. پس مفهوم هم‌نشینی، چیزی جز ارتباط یک عنصر زبانی با دیگر عناصر تشکیل دهنده زبان نیست (محققیان، ۱۳۹۳، ص ۳۲).

«نکته حائز اهمیت اصطلاح شبکه شعاعی^۱ و هم‌معنایی در معناشناسی شناختی، آن است که هر واژه می‌تواند در بافت‌های گفتاری متفاوت، قالب معنایی و

^۲ - core meaning

^۱ - Radial network

نمی‌شود؛ برای مثال، در قالب معنایی افعال تجارتي، برای محقق شدن فعل خریدن، عناصری همچون فروشنده (فاعل)، خریدار (فاعل دوم) و کالا (مفعول) فراهم است. فعل فروختن و خرج کردن و هزینه کردن هم همین‌طورند؛ اما هر کدام بخشی از قالب را برجسته می‌کنند (ر.ک: حسابی، ۱۳۹۴، ص ۵).

«تفاوت معنایی مفهومی هم‌معناها، نتیجه تغییر رابطه حاکم بر عناصر فعلی است و از همین رو نمی‌توان در هر ترکیب زبانی هم‌معناها را جایگزین یکدیگر کرد» (شاملی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۴)؛ بنابراین «درک معنای واژگان و ترکیب‌های زبانی بدون شناخت واحد ترجمه و خارج از متن میسر نیست و باید در چهارچوب روابط نحوی و معنایی حاکم بر متن تغییر و تفسیر یابد» (طهماسبی و جعفری، ۱۳۹۳، ص ۱۰۵). کلمات قالب را در ذهن گوینده/شنونده بر می‌انگیزانند و مترجم به قالب گفته یا متنی استناد می‌کند که کلمات در آن رخ می‌دهد (حسابی، ۱۳۹۴، ص ۵). به بیان دیگر، قالب معنایی براساس هم‌نشینی واژه‌ها و ترکیب آنها به دست می‌آید و نظریه فیلمور به آن دلیل به کار می‌رود که برای دریافت قالب معنایی، ارکان اصلی تشکیل‌دهنده آن فعل را به صورت تجربی بررسی کند.

۳- بحث و بررسی

۳-۱- شبکه شعاعی فعل «أبصر»

یکی از طبقات معنایی افعال در همه زبان‌ها، فعل‌های حسی A هستند. فعل‌های حسی در معنای نخست خود به عملکرد یکی از حواس پنج‌گانه دلالت دارند. منظور از افعال حسی، فعل‌هایی مانند «دیدن»، «شنیدن»، «بوییدن»، «چشمیدن»، «خوردن» و

کمک قالب‌های متناسب می‌فهمیم. قالب‌ها ابزارهای اضافی برای نظم و سامان‌دادن به مفاهیم نیستند؛ بلکه بدون آنها فهم جمله‌ها امکان‌پذیر نیست؛ از این‌رو، قالب‌ها در معناشناسی نقش اجتناب‌ناپذیری دارند. فیلمور معناشناسی قالب را «مدلی برای معناشناسی فهم» توصیف می‌کند و آن را در مقابل معناشناسی شرایط صدق قرار می‌دهد. این معناشناسی به فهم آنچه که گوینده یک متن اراده می‌کند و آنچه خواننده از متن می‌سازد، کمک می‌کند. به عبارت دیگر، این مدل در فهم مراد گوینده و نحوه بازسازی متن کمک می‌کند (قائمی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۹). منظور فیلمور از معنی‌شناسی قالب بنیاد «برنامه‌ای تحقیقاتی در حوزه معنی‌شناسی تجربی و به دست دادن چهارچوب توصیفی برای ارائه نتایج این پژوهش است. معنی‌شناسی قالب بنیاد به واژه‌ها نگاه جدیدی می‌اندازد و می‌کوشد برای خلق واژه‌ها و عبارت‌های جدید، اصولی تعیین کند تا از رهگذر آن بتوان معانی تازه‌ای به واژه‌ها افزود و معانی اجزای تشکیل‌دهنده متن را برای به دست دادن معنی کل متن، باهم ترکیب کرد. «قالب» در «معنی‌شناسی قالب بنیاد»، نظامی از مفاهیم مرتبط به هم محسوب می‌شود؛ آن هم به گونه‌ای که برای درک هریک از این مفاهیم مجبوریم کل ساختاری را درک کنیم که مفهوم مدنظر در آن قرار گرفته است. به این ترتیب، وقتی یکی از عناصر موجود در ساختار نامبرده در متنی تظاهر می‌یابد، تمام عناصر و سازه‌های دیگر موجود در آن ساختار نیز به صورت خودکار در دسترس اند (فیلمور، ۲۰۰۶ الف، ص ۳۷۳، به نقل از گندمکار، ۱۳۹۳، ص ۱۲۸). طبق نظریه فیلمور، هر فعلی برای تحقق‌یافتن نیازمند عناصری است که در صورت ناقص بودن، فعلی محقق

نمونه)، بصیره (دو نمونه)، بصیر (۵۱ نمونه)، تبصره (۱ نمونه)، مبصر (۳ نمونه)، مبصره (۳ نمونه)، مبصرون (۳ نمونه)، مستبصرین (۱ نمونه)، واژه‌های اسمی در میدان معنایی بصرند. در بین واژگان اسمی، بعد از بصیر، بصر (۹ نمونه) و أبصار (۴۴ نمونه) اهمیت بیشتری دارند و در وجه فعلی در (۳۱ نمونه) به صورت (فعل امر و مضارع) به کار رفته است که در این پژوهش، وجه فعلی (و شبه فعل) حاصل از باب «افعال» فعل «بصر» بررسی شده است.

با استناد به برخی معجم‌های ریشه‌شناختی افعال زبان عربی از جمله «لسان‌العرب، تاج‌العروس، المعجم الوسيط، القاموس‌المحیط، مفردات ألفاظ القرآن، معجم اللغة العربية المعاصرة» برخی مترادف‌های مرتبط با فعل «بصر» به دست آمد که در موقعیت‌های مختلف کاربرد دارند؛ این مترادفات عبارت‌اند از:

(أَبْصَرَ، تَوَسَّمَ، رَأَى، شَاهَدَ، عَايَنَ، لَاحَظَ، لَمَحَ، نَظَرَ، تَطَلَّعَ، رَاقَبَ، لَحَظَ، رَمَقَ، عَقَلَ، عَلِمَ، أَضَاءَ)

اگرچه افعال یادشده همگی مترادف فعل «بصر» هستند، هیچگاه نمی‌توان در موقعیت‌های مختلف، آنها را به جای فعل «أَبْصَرَ» نشانده؛ زیرا ممکن است هر لفظ در شرایط و موقعیت‌های مختلف با توجه به روابط جانشینی و هم‌نشینی، معنایی متفاوت نسبت به دیگر موقعیت‌ها داشته باشد.

فعل مزید «أَبْصَرَ» نیز که حاصل باب افعال فعل «بصر» است، دارای معانی زیر است:

(رَأَى، نَظَرَ، عَلِمَ، أَضَاءَ، تَبَيَّنَ، أَدْرَكَ، أَخْبَرَ، التَّفَتَّ، وَضَحَ، اهْتَدَى (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، صص ۶۷/۴-۶۴؛ مجمع اللغة العربية، د.ت، ص ۱/۵۹؛ زبیدی، د.ت، ص ۱۰/۱۹۷؛ أحمد مختار، ۱۴۲۹، ص ۱/۲۱۲).

توجه به معانی فعل «أَبْصَرَ» در معجم‌های زبان

«لمس کردن» است. بدن انسان دستگاه اصلی درک و جذب داده‌های مختلفی است که از مسیر چندین حس متفاوت، حاصل می‌شوند و درک جهان اطراف را به شیوه‌ای چندلایه برای او ممکن می‌سازند. افعال حسی در همه زبان‌ها، مهم‌ترین ابزار بازنمایی حواس مختلف در زبان‌اند. جالب این است که در زبان‌های هند و اروپایی، افعال حسی دستخوش گستره عظیم چندمعنایی می‌شوند که اتفاقاً براساس پژوهش‌های انجام‌شده نظیر (آنتونیو، ۱۹۹۹) گستره این چندمعنایی در سطح زبان‌های مختلف، شباهت‌های چشمگیری را می‌نمایاند (افراشی و عسگری، ۱۳۹۶، ص ۶۲).

در نظام معنایی قرآن کریم لفظ «بصر» هم در ارتباط با «خالق» و هم در ارتباط با «مخلوق» به کار رفته است. در ارتباط با «خالق»، بصیربودن خداوند به معنای علم او به جزئیات امور است؛ به نحوی که خداوند هر آنچه در دل خاک تیره است را می‌بیند و نسبت به آن آگاهی و دانایی دارد و دیدن او قطعاً منزّه از دیدن با عضو است (غزالی، ۱۴۲۹، صص ۱۲۱-۱۲۰). خداوند به سبب آنکه آفریدگار مخلوقات است، به تمام امور آنها آگاه است و نسبت به آنها علم دارد. آیات بسیاری از قرآن نشان‌دهنده بصیربودن خداوند نسبت به اعمال، افکار و احوالات بندگان و همه جهان هستی است. در ارتباط با مخلوق نیز یعنی انسان، همان معناهای وصفی حاصل از معنای معجمی این کلمه به کار می‌رود که با سیاق و بافت آیه تشخیص‌پذیر است (که بیان خواهد شد)؛ ازجمله قدرت بینایی داشتن، آگاه‌بودن، عالم‌بودن.

لفظ «بصر»، هم به صورت فعلی و هم به صورت اسمی در قرآن به کار رفته است. در وجه اسمی به صورت مفرد و جمع به کار رفته است. بصائر (چهار

یک فعل کاملاً مادی و ظاهری محسوب می‌شود؛ بنابراین، برای اثبات این آیاتی ارائه می‌شود که فعل «أَبْصَرَ» در آنها به صورت قالب معنایی دیداری - ادراکی به کار رفته است:

از جمله آیاتی که فعل «أَبْصَرَ» در قالب دیداری - ادراکی به کار رفته است:

(إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا) (مریم / ۴۲)

انصاریان: آنگاه که به پدر [خوانده] اش گفت: پدرم! چرا چیزی را که نمی‌شنود و نمی‌بیند و نمی‌تواند هیچ آسیب و گزند را از تو برطرف کند، می‌پرستی!

خرمشاهی: آنگاه که به پدرش گفت: پدرجان چرا چیزی را می‌پرستی که نمی‌بیند و نمی‌شنود و به حال تو سودی ندارد.

فولادوند: چون به پدرش گفت: پدرجان چرا چیزی را که نمی‌شنود و نمی‌بیند و از تو چیزی را دور نمی‌کند، می‌پرستی.

مکارم شیرازی: هنگامی که به پدرش گفت: ای پدر! چرا چیزی را پرستش می‌کنی که نمی‌شنود و نمی‌بیند و هیچ مشکلی را از تو حل نمی‌کند!

جدول شماره (۱) قالب معنایی دیدن با چشم مادی

ساختار دستوری	فعل (لَا يُبْصِرُ) + فاعل (ضمیر مستتر هو)
نوع فعل	رویدادی
قالب معنایی	دیداری
نقش معنایی	۱- بیننده؛ ۲- دیده‌شده؛ ۳- چشم، ابزار دیدن و دیده‌شدن

به دلیل هم‌نشینی واژه بَصْرًا بِأَبْصَرَ، و نیز کاربرد آن برای بت، معنای دیدن برای ترجمه آن صحیح‌تر

عربی نشان می‌دهد اطلاعات مندرج ذیل این مدخل از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر اختلاف دارد و بر اساس این، نتیجه دقیقی از تحلیل چندمعنایی فعل «أَبْصَرَ» ارائه نمی‌شود. این موضوع لزوم بهره‌گیری از روش پیکره‌ای را برجسته کرد؛ بنابراین، برای شناخت معنای فعل «أَبْصَرَ» در آیات مختلف در کل قرآن بر مبنای نظریه «معناشناختی قالب بنیاد» چارلز فیلمور عمل می‌کنیم.

۳-۲- برگردان فارسی قالب‌های معنایی فعل (أَبْصَرَ) در آیات قرآن کریم

۳-۲-۱- قالب معنایی دیداری - ادراکی

کانون توجه فیلمور در پژوهش‌های زبان‌شناختی، حوزه تعامل نحو و معناشناسی است؛ این مطلب به این معناست که برای تعیین معنای دقیق باید آن را در قالب جمله بررسی کرد؛ لازمه این کار وجود عناصر جمله مانند فعل، فاعل، مفعول و ... است (گندمکار، ۱۳۹۳، ص ۱۱۸).

با توجه به اینکه «بَصَرَ» به معنای چشم است، «بِصْر» هم به معنای دیدن با چشم سر یا همان دیدن ظاهری و فیزیکی است. در سوره ملک آیه ۳ و ۴ بصر به معنای چشم است. (الَّذِي خَلَقَ سَمْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ) و سوره احقاف آیه ۲۶، نظر به بحث هم‌نشینی سمع و بصر و أفئدة، بصر معنای چشم دارد.

شکل شماره (۱) عناصر قالب معنایی فعل دیدن

بیننده (فاعل) چشم (ابزار فعل) دیده‌شده (مفعول)

با توجه به اینکه عنصر محوری در قالب دیداری ادراکی «بَصَرَ» چشم است، حوزه معنایی دیداری لازمه

است)؛ اما به زودی آنها (محصول اعمال خود را) می‌بینند.

«حال آنان را بنگر و مراقب باش که چه عذاب و مصیبتی بر آنها به سبب مخالفت با تو و تکذیب تو بر آنها فرود می‌آید؛ و از این رو از جنبه تهدید و ترساندن فرمود: فسوف یبصرون» (عمادالدین، ۱۴۲۱، ص ۴۵۲).

در این آیه کریمه نیز فعل امر «أَبْصِرْ» در معنای نگریستن به کار رفته است. نگریستن با نگاه کردن و دیدن تفاوت دارد. فرهنگ دهخدا در ذیل معنای نگریستن، این معناها آورده شده است؛ نگرستن، نگریدن، نظرافکندن و نگاه کردن (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل نگریستن). روشن است دیدن، حالت ارادی ندارد و از روی قصد نیست و هر چیزی که در معرض دید باشد، دیده می‌شود؛ اما نگاه کردن به صورت ارادی و همراه با قصد است و در نگریستن، دیدن با عمق و همراه با تأمل و تفکر است. در نگاه کردن، عموماً نگاه کردن و دیدن مادی و ظاهری مدنظر است؛ اما در نگریستن، مفهوم نگاه کردن فرامادی همراه با در نظر داشتن جوانب و تأمل نهفته است. همچنان که در این آیه مشهود است، خداوند به پیامبر دیدن ظاهری کافران را دستور نمی‌دهد. خداوند به پیامبر دستور می‌دهد حال آنان را بنگر. این مهم با رابطه هم‌نشینی این فعل با مفعول (هم) به کار رفته است؛ بنابراین، نتیجه اینگونه می‌شود:

جدول شماره (۳) قالب معنایی نگریستن

ساختار دستوری	فعل (أَبْصِرْ) + فاعل (ضمیر مستتر أنت) + مفعول به (ضمیر هُم)
نوع فعل	رویدادی
قالب معنایی	نگریستن
نقش معنایی	۱- نگریسته؛ ۲- دیده شده؛ ۳- چشم، ابزار دیدن و دیده شدن

است. ترجمه‌های چهارگانه نیز بیان می‌دهند فعل (لَا يُبْصِرُ) متناسب با بافت زبانی آیه و در معنای مرکزی آن به کار رفته است.

جدول شماره (۲) ترجمه‌های فارسی فعل «لَا يُبْصِرُ»

مترجم فارسی	ترجمه
انصاریان	نمی‌بیند
خرمشاهی	نمی‌بیند
فولادوند	نمی‌بیند
مکارم شیرازی	نمی‌بیند

در بررسی نمونه آیات ارائه شده درباره فعل (أَبْصَرَ) و مشتقات آن، مشخص شد این فعل به صورت دیداری - ادراکی به کار رفته و البته ترجمه مترجمان نیز گویای این است که هر چهار مترجم برای ترجمه آیات به بافت متن توجه داشته و ترجمه خود را متناسب با بافت معنایی آیه ارائه کرده‌اند. نمونه دیگر برای قالب معنایی دیدن ظاهری و مادی، آیه ۱۹۵ سوره اعراف است (اللَّهُمَّ ارْجُلُ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا). روشن است در عبارت (أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا)، دیدن ظاهری و مادی مدنظر است؛ زیرا «چشم»، این نعمت مادی، در کنار نعمت‌های مادی دیگر و اعضای دیگر بدن (پا، دست، گوش) آورده شده است.

۳-۲-۲- قالب معنایی نگریستن

(وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ) (صافات/۱۷۵)

انصاریان: و آنان را بنگر که به زودی [وزر و وبال

گناهانشان را] خواهند دید.

خرمشاهی: و بنگر ایشان را، که زودا به دیده بصیرت بنگرند.

فولادوند: و آنان را بنگر که خواهند دید.

مکارم شیرازی: و وضع آنها را بنگر (چه بی محتوا

ترجمه‌های چهارگانه نیز بیان می‌کند فعل (أَبْصِر) متناسب با بافت زبانی آیه و در معنای مرکزی آن به کار رفته است.

جدول شماره (۴) ترجمه‌های فارسی فعل «أَبْصِر»

مترجم فارسی	ترجمه
انصاریان	بنگر
خرمشاهی	بنگر
فولادوند	بنگر
مکارم شیرازی	بنگر

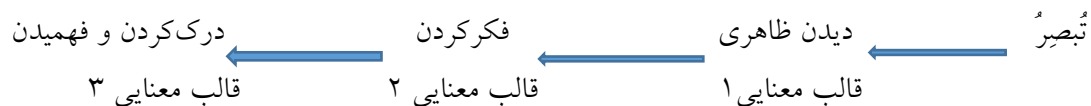
تفسیرهای مختلفی از جمله تفسیر الرازی، تفسیر ابن کثیر، تفسیر المیزان، «أَبْصِرْهُمْ» را به معنای «بنگر» آورده‌اند و توضیح داده‌اند مقصود این است که آنان را و عذاب‌هایی از جمله قتل و اسارت بر آنان در پی مخالفت با تو بر آنها فرود آمده بنگر و آنان نیز نتیجه کار خود و پیروزی تو را خواهند دید (ر.ک: الرازی، ۱۹۷۱، ص ۲۶/۳۶۳؛ عمادالدین، ۱۴۲۱، ص ۱۲/۶۷؛ ابن کثیر، تفسیر بـن کثیر،

<https://quran.ksu.edu.sa/>

۳-۲-۳- قالب معنایی درک کردن و فهمیدن

(فَسْتَبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ / بِأَيُّكُمْ الْمَفْتُونُ) (قلم/ ۶-۵)

انصاریان: پس به زودی می بینی و [منکران هم]



فرد دنبال آن است که ببیند، صحیح نیست. به سبب اینکه این آیه نتیجه کار را بیان می‌کند که کدام یک دیوانه‌اید، معنای درک کردن و دانستن قوی‌تر است و ترجمه ذیل پیشنهاد می‌شود: به زودی درک خواهی

«این جمله به دلیل اینکه حرف «فاء» در اولش آمده، نتیجه‌گیری از خلاصه مطالب گذشته است» (طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۱۹/۶۱۹). در آیه فوق، نگرستن و مشاهده کردن، چون حالت ارادی دارد و

می‌بینند.

خرمشاهی: زودا که بنگری و بنگرند.

فولادوند: به زودی خواهی دید و خواهند دید.

مکارم شیرازی: و به زودی تو می بینی و آنها نیز

می‌بینند.

در باره باء «بأَيُّكُمْ الْمَفْتُونُ» چند نظر وجود دارد: الف) «مفتون» اسم مفعول و «باء» زایده باشد؛ یعنی در آینده خواهید دید کدام یک از شما گرفتار جنون است؛ ب) «مفتون» مصدر و «باء» به معنای «فی» باشد؛ یعنی خواهید دید در کدام یک از شما جنون وجود دارد؛ ج) «باء» متعلق به محذوف و «مفتون» اسم مفعول باشد؛ یعنی خواهید دید نام مجنون، شایسته کدام یک از شما است (نک: نحاس، ۱۴۲۱ق، ص ۵/۵؛ آلوسی، د.ت، ص ۲۹/۲۵؛ طبری، د.ت، ص ۵۶۴). در دو احتمال معنای حرف باء، جمله «بأَيُّكُمْ الْمَفْتُونُ» مفعول به برای فعل «ستبصر» است.

برای بررسی مفهوم «فستبصر» باید به مفعول آن یعنی جمله «بأَيُّكُمْ الْمَفْتُونُ» دقت کرد. اینکه «کدام یک دیوانه‌اید» قابل دیدن مادی نیست؛ بلکه باید درک شود البته این درک کردن از رهگذر دیدن با چشم مادی صورت می‌گیرد.

ابوبکر الرازی، ۱۹۹۱، ص ۴۸، ذیل بصر؛ قعدان، ۲۰۱۱، ص ۱/۱۲۹، باب الباء مع الصاد؛ طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۱۳/۵۱). آیاتی که در آن، واژه «مبصره» دلالت بر روشنگری دارد، عبارت‌اند از:

(أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا) (نمل / ۸۶) ترجمه: آیا ندیده‌اند که ما شب را قرار داده‌ایم تا در آن بیاسایند و روز را روشنی‌بخش [گردانیدیم].

(وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً) (اسراء / ۱۲) ترجمه: و نشانه روز را روشنی‌بخش گردانیدیم.

(اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا) (غافر / ۶۱) ترجمه: خدا [همان] کسی است که شب را برای شما پدید آورد تا در آن آرام گیرید و روز را روشنی‌بخش [قرار داد].

(وَأَتَيْنَا تَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً) (اسراء / ۵۹) ترجمه: به ثمود ماده شتر دادیم که [پدیده‌ای] روشنگر بود.

(فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً) (نمل / ۱۳) ترجمه: هنگامی که آیات روشنگر ما به سویشان آمد. آیه آخر بررسی می‌شود:
(فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ) (نمل / ۱۳)

انصاریان: هنگامی که معجزات روشن ما به سویشان آمد، گفتند: این جادویی آشکار است.

خرمشاهی: و چون آیات ما روشنگرانه به سر وقت آنان آمد، گفتند: این جادویی آشکار است.

فولادوند: و هنگامی که آیات روشنگر ما به سویشان آمد، گفتند: این سحری آشکار است.

مکارم شیرازی: و هنگامی که آیات روشنی‌بخش ما به سراغ آنها آمد، گفتند: این سحری است آشکار!

کرد (خواهی فهمید) و آنان نیز درک می‌کنند که کدام یک از شما دیوانه‌اید. درباره ارتباط معنایی فعل فهمیدن با معنای کنونی آن یعنی دیدن، دیدن اشیا و پدیده‌ها مقدمه‌ای برای ایجاد ارتباط بین آنها در ذهن است و به درک و فهم منجر می‌شود.

جدول شماره (۵) قالب معنایی درک کردن و فهمیدن

ساختار دستوری	فعل (سَبَّحَرْتُ) + فاعل (ضمیر مستتر أنت) + مفعول به در آیه بعد (بِأَيْكُمُ الْمُفْتُونِ)
نوع فعل	انتزاعی و ذهنی
قالب معنایی	درک کردن، فهمیدن
نقش معنایی	۱- درک کننده؛ ۲- درک شده؛ ۳- ذهن، وسیله درک کردن و فهمیدن

جدول شماره (۶) قالب معنایی درک کردن و فهمیدن

ساختار دستوری	فعل (يُبْصِرُونَ) + فاعل (ضمیر بارز واو) + مفعول به: در آیه بعد (بِأَيْكُمُ الْمُفْتُونِ)
نوع فعل	انتزاعی و ذهنی
قالب معنایی	درک کردن، فهمیدن
نقش معنایی	۱- درک کننده؛ ۲- درک شده؛ ۳- ذهن، وسیله درک کردن و فهمیدن

ترجمه‌های چهارگانه نیز بیان می‌کند فعل (ستبصر) و (یبصرون) متناسب با بافت زبانی آیه ترجمه نشده‌اند و صرفاً در معنای مرکزی آن به کار رفته‌اند.

جدول شماره (۷) ترجمه‌های فارسی فعل «سَبَّحَرْتُ» و «يُبْصِرُونَ»

مترجم فارسی	ترجمه	
انصاریان	می‌بینی	می‌بینند
خرمشاهی	بنگری	بنگرند
فولادوند	خواهی دید	خواهند دید
مکارم شیرازی	می‌بینی	می‌بینند

۳-۲-۴- قالب معنایی روشنائی بخشیدن

در بعضی از آیات قرآن، برخی از پدیده‌ها با صفت «مبصره» به معنای «مضیئه» و «روشنگر» آمده‌اند (ر.ک:

جدول شماره (۸) قالب معنایی روشنائی بخشیدن

ساختار دستوری	شبه فعل (مبصره) + فاعل (ضمیر مستتر «ها»)
نوع فعل	رویدادی
قالب معنایی	روشنائی بخشیدن
نقش معنایی	۱- روشنگر (کنشگر)؛ ۲- روشن شده (کنش پذیر)؛ ۳- آیات، ابزار روشنگری

(وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحْوَنًا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا

آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً...) (اسراء/ ۱۲)

انصاریان: ما شب و روز را دو نشانه [قدرت و حکمت خود] قرار دادیم؛ پس شب را بی نور نمودیم و روز را روشن ساختیم ...

خرمشاهی: و شب و روز را دو پدیده قرار دادیم و آنگاه پدیده شب را محو و پدیده روز را روشن گردانیدیم ...

فولادوند: و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم. نشانه شب را تیره گون و نشانه روز را روشنی بخش گردانیدیم ...

مکارم شیرازی: ما شب و روز را دو نشانه (توحید و عظمت خود) قرار دادیم. سپس نشانه شب را محو کرده و نشان روز را روشنی بخش ساختیم ...

جدول شماره (۱۰) ترجمه‌های فارسی «مُبْصِرَةٌ» (۲)

مترجم فارسی	ترجمه
انصاریان	روشن
خرمشاهی	روشن
فولادوند	روشنی بخش
مکارم شیرازی	روشنی بخش

جدول فوق نشان می‌دهد هر چهار مترجم به معنی و بافتی که کلمه «مبصره» در آن به کار رفته است، توجه داشته و براساس هم‌نشینی واژه‌های «محونا» و «اللیل» و تقابل آن با «النهار» ترجمه صحیحی ارائه داده‌اند.

۳-۲-۵- قالب معنایی نگریستن با بینش عقلی (اندیشیدن)

در دین اسلام به‌ویژه قرآن کریم، به تعقل و نگریستن به اشیا با بینش عقلی، تأکید بسیار شده و بارها پس از بیان نشانه‌ها و دلایل، همگان را دعوت

ترجمه‌های ذیل به خوبی نشان می‌دهد مترجمان منتخب، به بافت زبانی که شبه فعل^۱ «مبصره» در آن به کار رفته است، توجه داشته و به قالب معنایی مرکزی اکتفا نکرده‌اند. درحقیقت ساختار پیوندی واژگان با یکدیگر را مدنظر قرار داده‌اند تا قالب معنایی جدید «مبصره» یا معنای نسبی آن، یعنی روشنائی بخشیدن به دست آمده است؛ ساختاری که در آن مبصره بدون مفعول انسانی آمده است (کسانی که مبصره را به معنای بیناکننده تلقی می‌کنند، مفعول انسانی برای آن قائل می‌شوند؛ یعنی کافران). شایان ذکر است انصاریان این واژه را به صورت لازم و بقیه مترجمان به صورت متعدی ترجمه کرده‌اند و خرمشاهی به صورت حال (ترجمه صحیح) و بقیه به صورت صفت ترجمه کرده‌اند.

جدول شماره (۹) ترجمه‌های فارسی «مُبْصِرَةٌ» (۱)

مترجم فارسی	ترجمه
انصاریان	روشن
خرمشاهی	روشنگرانه
فولادوند	روشنگر
مکارم شیرازی	روشنی بخش

از نمونه‌های دیگر به این آیات کریمه اشاره می‌شود:

^۱ - شبه فعل به اسم‌هایی اطلاق می‌شود که مانند فعلشان عمل می‌کنند و فاعل و گاهی مفعول می‌گیرند. شبه فعل‌ها عبارت‌اند از: مصدر، اسم فاعل، اسم مفعول و صفت مشببه (الغلابینی، ۱۹۹۹، ص ۱۶۰/۱).

به تعقل و بینش عقلی کرده است؛ زیرا این عقل است که باعث تمیز حق از باطل و دیدن اشیا به صورت واقعی و حقیقی می‌شود؛ از این رو «انسان صاحب فطرت و عقل، دارای هویتی فراتر از عالم ماده است و کیفیت حیاتش وابسته به حاکمیت عقل اوست. رفتارها و کردارها تجلی محتوا و کیفیت ابعاد ادراکی و فطری انسان است که وقتی به صورت ارادی و براساس عقیده و اخلاق در چهارچوب فطرت سلیم اجرا شود، عمل صالح است» (عرب‌زاده و صدرحسینی و میرعظیمی، ۱۳۹۶، ص ۸۵).

قرآن کریم درباره استفاده انسان از قوه بینش عقلی خود می‌فرماید:

(قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَلِيلٌ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ) (قصص / ۷۲)

انصاریان: بگو به من خبر دهید اگر خدا روز را بر شما تا روز قیامت پاینده و جاوید کند، کدام معبودی است جز خدا که شبی را برای شما بیاورد تا در آن بیارامید؟ پس آیا [آثار قدرت او را] نمی‌بینید؟

خرمشاهی: بگو ببیندشید اگر خداوند روز را بر شما تا روز قیامت پاینده گرداند، چه خدایی جز خداوند برای شما شب را به میان می‌آورد که در آن بیارامید، آیا نمی‌نگرید؟

فولادوند: بگو هان چه می‌پندارید اگر خدا تا روز قیامت روز را بر شما جاوید بدارد جز خداوند کدامین معبود برای شما شبی می‌آورد که در آن آرام گیرید آیا نمی‌بینید؟

مکارم شیرازی: بگو: به من خبر دهید هر گاه خداوند روز را تا قیامت بر شما جاودان کند، کدام معبود غیر از الله است که شبی برای شما بیاورد تا در

آن آرامش یابید؟ آیا نمی‌بینید؟!

در آیه شریفه فوق، نشانه و معجزه‌ای برای هدایت انسان‌ها مطرح شده است. سپس یک استفهام انکاری به وسیله فعل «لاتبصرون» آمده است که به نظر می‌رسد با توجه به اینکه معجزات و نشانه‌های الهی اموری معنوی به شمار می‌آیند، آمدن فعل «لاتبصرون» در آیه شریفه بر امری ذهنی و انتزاعی دلالت داشته باشند که مرتبط با بینش عقلی است؛ زیرا بینش عقلی است که به هدایت منجر می‌شود؛ اگرچه نقش چشم مادی نیز انکارناپذیر است. «بدین‌سان، بینش انسان، ابزاری است که از رهگذر عقل و خرد - همراه فطرت - فراچنگ می‌آید و راه درست رشد و تکامل را می‌نمایاند» (احمدیان و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۶۸). نکته دیگر اینکه واژه «أرأیتُمْ» (به من خبر دهید) باعث به چالش کشیده شدن مخاطب و فراخواندن او به تفکر می‌شود. همچنین چیز قابل رؤیتی (مادی) وجود ندارد که تبصرون را به معنای دیدن بگیریم؛ مسئله یک مسئله عقلی است و طبیعی است براساس این هم‌نشینی کلمات، آن را به معنای اندیشیدن بگیریم.

شایان ذکر است دهخدا یکی از معانی نگریستن را تأمل کردن، فکرکردن و اندیشیدن آورده (دهخدا: ذیل نگریستن) و مثالی از این معنا را ارائه داده است «وی سنگی پنج شش منی را راست کرد و زمانی نگریست و اندیشه کرد، پس عراده بکشیدند و سنگ روان شد (تاریخ بیهقی: ۴۷۳؛ به نقل از دهخدا، ذیل نگریستن). ارتباط بین فعل دیدن و اندیشیدن است؛ زمانی که فرد در شرایطی قرار می‌گیرد و در آن با چیزهایی مواجه می‌شود، جنبه‌های آن در ذهنش نقش می‌بندد و به‌ناچار درباره آن می‌اندیشد.

جدول شماره (۱۱): قالب معنایی نگرستن با بینش عقلی

(اندیشیدن)

ساختار دستوری	فعل (لاتبصرون) + فاعل (ضمیر بارز واو) + مفعول به در تقدیر
نوع فعل	انتزاعی و ذهنی
قالب معنایی	نگرستن با بینش عقلی
نقش معنایی	۱- بیننده با بینش عقلی؛ ۲- دیده‌شده معنوی؛ ۳- ذهن، ابزار بینش و اندیشیدن

انصاریان: بی تردید برای شما از سوی پروردگارتان دلایلی روشن آمده، پس هر که [به وسیله آن دلایل بینا شود و حقایق را با چشم دل] ببیند به سود خود اوست و هر که [با پشت کردن به دلایل] کوردل شود [و از دیدن حقایق محروم گردد] به زیان خود اوست.

خرمشاهی: به راستی روشنگری‌هایی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است، پس هر کس به دیده بصیرت بنگرد، به سود خود اوست و هر کس از سر بصیرت ننگرد، به زیان خود اوست.

فولادوند: به راستی رهنمودهایی از جانب پروردگارتان برای شما آمده است. پس هر که به دیده بصیرت بنگرد، به سود خود او و هر کس از سر بصیرت ننگرد، به زیان خود اوست.

مکارم شیرازی: دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد، کسی که (به وسیله آن، حق را) ببیند، به سود خود اوست و کسی که از دیدن آن چشم بپوشد، به زیان خود اوست.

کلمه «بصائر» به معنای دلایل و رهنمودهاست (نک: ابن منظور، ۱۴۱۴، ص ۱۶۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۲: ج ۷، ص ۳۰۳؛ السمین الحلبی، ۱۹۹۶، ص ۱/۱۹۵) و نشانه و رهنمود باعث تعقل و تفکر می‌شود؛ نتیجه اینکه هر کس در آن نشانه‌ها با تأمل بنگرد، به سود خود اوست. ترجمه هر چهار مترجم نشان می‌دهد به خوبی متوجه مفهوم و قالب معنایی واژه «أبصر» شده‌اند و هر کدام به طریقی مفهوم را ارائه داده‌اند. خرمشاهی و فولادوند به صورت «نگرستن با دیده بصیرت» ترجمه کرده‌اند و انصاریان و مکارم همراه با توضیح داخل پرانتز، معنا را از قالب معنایی دیدن مادی دور کرده و به سمت بینش عمیق برده‌اند؛ هرچند بهتر بود به صورت مستقیم، دیدن با تعقل و

ترجمه‌های آورده شده در جدول ذیل، به خوبی نشان می‌دهد از بین مترجمان منتخب، تنها ترجمه خرمشاهی بر مبنای قالب و بافت آیه بوده است. در تأکید معنای «اندیشیدن» از «نمی‌نگرید» که مدنظر خرمشاهی است، باید گفت ایشان در ابتدای ترجمه همین آیه مفهوم اندیشیدن را آورده است: «بگو ببیندشید...». دیگر مترجمان، به بافت زبانی که فعل «لاتبصرون» در آن به کار رفته است، عنایتی نداشته و به قالب معنایی مرکزی اکتفا کرده‌اند. در صورتی که می‌باید ساختار پیوندی واژگان با یکدیگر را مدنظر قرار می‌دادند تا قالب معنایی جدید «لاتبصرون» یا معنای نسبی آن، یعنی نگاه با بینش عقلی به دست می‌آمد و ترجمه دقیق‌تری ارائه می‌شد.

جدول شماره (۱۲): ترجمه‌های فارسی فعل «أَفَلَا تُبْصِرُونَ»

مترجم فارسی	ترجمه
انصاریان	نمی‌بینید
خرمشاهی	نمی‌نگرید
فولادوند	نمی‌بینند
مکارم شیرازی	نمی‌بینید

نتایج مطالب این بخش نشان می‌دهند مترجمان منتخب به جز خرمشاهی، ترجمه‌های خود را براساس قالب و سیاق آیه ارائه نکرده‌اند.

(قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ

عَمِيَ فَعَلَىٰ هَا) (انعام/ ۱۰۴)

تأمل ترجمه می‌شد.

جدول شماره (۱۳): قالب معنایی نگریستن با بینش عقلی

(اندیشیدن)

ساختار دستوری	فعل (أَبْصَرَ) + فاعل (ضمیر مستتر هو) + مفعول به در تقدیر
نوع فعل	انتزاعی و ذهنی و عقلی
قالب معنایی	نگریستن با بینش عقلی
نقش معنایی	۱- بیننده با بینش عقلی؛ ۲- دیده‌شده معنوی؛ ۳- عقل، ابزار تعقل و بینش

جدول شماره (۱۴): ترجمه‌های فارسی فعل «أَبْصَرَ»

مترجم فارسی	ترجمه
انصاریان	بینا شود
خرمشاهی	به دیده بصیرت بنگرد
فولادوند	به دیده بصیرت بنگرد
مکارم شیرازی	(حق را) ببیند

۳-۲-۶- قالب معنایی بصیرت یافتن

بصیرت در لغت به معنی عقیده قلبی، شناخت، یقین، زیرکی و عبرت است و در اصطلاح، عبارت است از قوه ای در قلب شخص که به نور قدسی منور است و به وسیله آن حقایق اشیا و امور ادراک می‌شود. همان‌گونه که شخص به وسیله چشم، صور و ظواهر اشیا را می‌بیند. همچنین بصیرت، معرفت و اعتقاد حاصل شده در قلب، نسبت به امور دینی و حقایق امور است (ر.ک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۱۶۳).

زمخشری «بصر» را نور چشم و قوه بینایی و بصیرت را نور قلب و ابزار تأمل و تفکر می‌داند. در برخی آیات این دو گونه بینایی در کنار هم قرار گرفته‌اند (... وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ) (اعراف/ ۱۹۸). آیات فراوانی، بینایی ظاهری را کنایه از بینایی عقلی یا باطنی گرفته‌اند. دانشمندان مسلمان با استناد به آیات قرآنی بر این عقیده‌اند که در قلب

انسان نیرویی برای دریافت نور الهی وجود دارد و برای اثبات آن مدعا به آیه ۲۲ زمر استناد می‌کنند (أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ). همچنین به روح الهی نیز از آن تعبیر شده است (فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي) (حجر: ۲۹). عقل نظری، بصیرت باطنی، نور ایمان و یقین نیز نامیده می‌شود که توانایی آن در شناخت مفاهیم عقلی همچون شناخت و ادراک خداوند و نیازمندی عالم به مدبری حکیم است. عرفا بیشتر آن را نور یا روح الهی می‌نامند و آن را نیرویی می‌دانند که دل را به نیرویی قدسی منور می‌کند و به وسیله آن حقایق امور شناخته می‌شوند، حق و باطل از هم تمییز داده می‌شوند و آن در مقام چشم برای قلب است. در فلسفه نیز از آن به قوه عاقله یا قوه قدسیه تعبیر می‌کنند (ر.ک. دائرةالمعارف قرآن، ۱۳۸۵، صص ۵۷۵ - ۵۷۶).

آیه زیر بیان می‌کند تقوا سبب ایجاد بینش و بصیرت قلبی می‌شود:

(إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ) (اعراف/ ۲۰۱)

انصاریان: مسلماً کسانی که [نسبت به گناهان، معاصی و آلودگی‌های ظاهری و باطنی] تقوا ورزیده‌اند، هرگاه وسوسه‌هایی از سوی شیطان به آنان رسد [خدا و قیامت را] یاد کنند. پس بی‌درنگ بینا شوند [و از دام وسوسه‌هایش نجات یابند].

خرمشاهی: پرهیزگاران هرگاه خیالی شیطانی عارضشان شود، یاد [خدا] کنند و آنگاه دیده‌ور شوند. **فولادوند:** درحقیقت کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه‌ای از جانب شیطان بدیشان رسد، [خدا را] به یاد آورند و بناگاه بینا شوند.

مکارم شیرازی: پرهیزکاران هنگامی که گرفتار

وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می‌افتند و (در پرتو یاد او راه حق را می‌بینند و) بینا می‌گردند.

جدول شماره (۱۵): قالب معنایی بصیرت‌یافتن

ساختار دستوری	شبه‌فعل (مبصرون) + فاعل (ضمیر مستتر هو)
نوع فعل	ذهنی/قلبی
قالب معنایی	بصیرت‌یافتن
نقش معنایی	بیننده؛ ۲- دیده‌شده؛ ۳- قلب وسیله بصیرت‌یابی

إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ). (اعراف/ ۱۹۸)، مبصرون معنایی غیر از منظور دارد و قطعاً معنای دیدن ظاهری را ندارد؛ زیرا در جمله قبل می‌فرماید: به تو نگاه می‌کنند...؛ یعنی رؤیت ظاهری دارند؛ اما رؤیت باطنی ندارند.

۳-۳- قالب‌های معنایی فعل «أَبْصَرَ» در ترجمه فارسی

پس از بررسی قالب‌های معنایی فعل «أَبْصَرَ» در آیات مختلف، معانی زیر با توجه به قالب به‌کاررفته در آن و بحث هم‌نشینی به دست آمد:

فعل	برچسب (معنای فعل)
«أَبْصَرَ»	نگاه کردن
	نگریستن
	درک کردن
	نگریستن با بینش عقلی (اندیشیدن)
	روشن‌ساختن
	بصیرت‌یافتن

در جدول فوق یک قالب معنای مرکزی و چندین قالب معنای فرعی برای آن وجود دارد که بین قالب معنای مرکزی و قالب‌های معنای فرعی ارتباط وجود دارد که این ارتباط همان دیدن با چشم سر است.

۳-۴- رویکرد مترجمان در ترجمه فعل «أَبْصَرَ» در نگاه کلی

با توجه به جدول زیر، مترجمان در چهار قالب معنایی (دیدن ظاهری، نگریستن، روشنائی‌بخشیدن و بصیرت‌یافتن) اتفاق نظر داشته‌اند و به بافت آیه‌ای توجه داشته‌اند که فعل مدنظر در آن به کار رفته است؛ اما درباره قالب معنایی (درک کردن)، هیچ‌کدام از مترجمان به بافت آیه توجه نداشته‌اند و درباره قالب معنایی «نگریستن با بینش عقلی»، فقط خرمشاهی

جدول شماره (۱۶): ترجمه‌های فارسی شبه‌فعل «مُبْصِرُونَ»

مترجم فارسی	ترجمه
انصاریان	بینا شوند
خرمشاهی	دیده‌ور شوند
فولادوند	بینا شوند
مکارم شیرازی	بینا می‌گردند

در ترجمه‌های ارائه‌شده، هرچند مترجمان (براساس توضیحاتی که در ترجمه و داخل پرانتز آورده‌اند) متوجه مفهوم «مبصرون» هستند، معادل دقیق‌تری برای این واژه نیاورده‌اند. بیناشدن واژه عامی است که بیشتر برای بینایی چشم (بینایی ظاهری) استفاده می‌شود؛ همچنان که برای بینایی چشم حضرت یعقوب از همین واژه، استفاده و ترجمه کرده‌اند (فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا) (یوسف/۹۶)؛ بنابراین، بیناشدن که برای بینایی ظاهری چشم استفاده می‌شود، نباید برای بینایی قلب استفاده شود و بهتر است معادل «بصیرت یابند» شود. انتخاب این معادل از آن نظر اهمیت دارد که این اتفاق با پیش شرط «تقوا پیشه کردن» رخ می‌دهد و همین‌طور هنگام برخورد با شیاطین که امری معنوی است و نه فیزیکی و مادی.

شایان ذکر است در آیه حاضر (... وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ

قالب معنایی را در نظر داشته و ترجمه صحیحی ارائه کرده است.

جدول شماره (۱۷): ترجمه‌های صحیح فعل «أَبْصَرَ» و مشتقات آن

بصیرت یافتن	درک کردن	اندیشیدن	روشنایی بخشیدن	نگریستن	دیدن ظاهری	مترجم ترجمه أَبْصَرَ
-	-	-	✓	✓	✓	انصاریان
-	-	✓	✓	✓	✓	خرمشاهی
-	-	-	✓	✓	✓	فولادوند
-	-	-	✓	✓	✓	مکارم شیرازی

نتیجه‌گیری

با بررسی و مقایسه چهار ترجمه ارائه شده، این نتیجه حاصل شد که انصاریان، خرمشاهی و فولادوند در ترجمه آیات به قالب آیه و بافت زبانی آیات توجه بیشتری داشته‌اند و ترجمه‌های ارائه شده این سه با دقت بیشتری صورت گرفته است.

در پی عنایت اندک به تفاوت‌های معنایی میان معادل‌های فارسی مفهوم «دیدن»، مترجمان، بیشتر فعل «أَبْصَرَ» را در قالب معنای دیدن ترجمه کرده‌اند و این ترجمه نسبت به قالب‌های معنایی دیگری دارای بسامد بیشتری در بین ترجمه‌های ارائه شده است.

کتابنامه

قرآن کریم

آلوسی، شهاب‌الدین. (د.ت). تفسیر روح‌المعانی، کتابخانه الکترونیکی مدرسه فقهت <http://lib.eshia.ir/> افراشی، آزیتا و سجاد صامت. (۱۳۹۳ش). چندمعنایی نظام مند با رویکردی شناختی در زبان فارسی «شنیدن» تحلیل چندمعنایی فعل حسی. ادب پژوهی، ۸ (۳۰)، ۲۹-۵۹.
افراشی، آزیتا و ساناز عسگری. (۱۳۹۶ش). چندمعنایی فعل حسی دیدن در زبان فارسی: پژوهشی

فعل «أَبْصَرَ» متناسب با ترکیب‌های هم‌نشینی، قالب‌های معنایی شناختی‌ای را ارائه می‌دهد که با معنای مرکزی و سر نمونه دیدن ظاهری، ارتباط شعاعی و همبستگی معنایی دارند؛ ضمن آنکه با یکدیگر متفاوت‌اند؛ بنابراین، باید در ترجمه فارسی آن، متناسب با بافت زبانی عمل کرد و به این تفاوت‌ها نگریست تا ترجمه درست و دقیق‌تری به دست آید.
فعل «أَبْصَرَ» و شبه‌فعل آن در قرآن کریم دارای قالب‌های معنایی «دیداری، درک کردن، نگریستن، نگریستن با بینش عقلی (اندیشیدن)، روشنایی بخشیدن، بصیرت یافتن» است.

مترجمان در سه قالب معنایی (دیدن ظاهری، نگریستن، روشنایی بخشیدن) اتفاق نظر داشته‌اند و به بافت آیه‌ای توجه داشته‌اند که فعل مدنظر در آن به کار رفته است؛ اما درباره قالب معنایی (درک کردن) و بصیرت یافتن، هیچ‌کدام از مترجمان به بافت آیه توجه نداشته‌اند و درباره قالب معنایی «اندیشیدن»، فقط خرمشاهی قالب معنایی را در نظر داشته و ترجمه صحیحی ارائه کرده است. نتیجه آنکه خرمشاهی بیشترین دقت را به بحث هم‌نشینی و بافت آیه داشته است.

الزبیدی، المرتضی. (د.ت). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.

ستوده‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۸ش). بصیرت در قرآن با تکیه بر آیه ۱۰۸ سوره یوسف. مطالعات قرآن و حدیث، ۲ (۲)، ۱۷۴-۱۴۱.

السمین الحلبي، احمد بن يوسف. (۱۹۹۶). عمده الحفاظ فی تفسیر أشرف الألفاظ. معجم لغوی لألفاظ القرآن الکریم. تحقیق: محمد باسل عین السود، الجزء الأول. بیروت: دارالکتب العلمیة.

شاملی، نصرالله و فرزانه حاجی قاسمی. (۱۳۹۶). شبکه شعاعی معنای «دیدن» در خطبه‌های نهج البلاغه بر پایه معنانشناسی شناختی قالبی. پژوهشنامه نهج البلاغه، ۵ (۱۹)، ۱۲۴-۱۰۱.

صفوی، کورش. (۱۳۷۸ش). در زمانی بر معنانشناسی. تهران: سوره مهر.

عرب‌زاده، الهه؛ صدرحسینی، علیرضا و حمیدرضا میرعظیمی. (۱۳۹۶). عوامل بینش صحیح جامعه علمی، در آیات و روایات. پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، ش ۲۱، ۱۰۶-۸۳.

عمادالدین، أبو الفداء. (۱۴۲۱ق). تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر) (المجلد ۱۰). تحقیق: مصطفی السید محمد و الآخرون. القاهرة: قرطبة و أولاد الشيخ.

عموزاده، محمد؛ کریمی دوستان، غلامحسین و بابک شریف. (۱۳۹۵ش). شبکه معنایی فعل گرفتن براساس انگاره چندمعنایی اصول‌مند. پژوهش‌های زبانی، ۷ (۱)، ۱۳۶-۱۱۷.

غزالی، ابوحامد محمد بن محمد. (۱۴۲۹ق). المقصد الأسنی فی شرح معانی أسماء الله الحسنی. چاپ اول. قاهره: دارالسلام.

شناختی و پیکره‌ای. پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۷ (۱۴)، ۶۱-۷.

ابن کثیر، عمادالدین ابوالفداء. (د.ت). تفسیر ابن کثیر، مشروع المصحف الکترونی، جامعه الملك سعود - <https://quran.ksu.edu.sa/tafseer/katheer/sura37-aya175.html#katheer>

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب. الطبعة الثالثة. بیروت: دار صادر.

أحمد مختار، عمر. (۱۴۲۷ق). علم الدلالة. القاهرة: عالم الکتب.

_____ (۱۴۲۹ق). معجم اللغة العربية المعاصرة. القاهرة: عالم الکتب.

احمدیان، ابراهیم و همکاران. (۱۳۸۵). فرهنگ شیعه. چاپ اول. قم: زمزم هدایت.

حاجی قاسمی، فرزانه و نصرالله شاملی. (۱۳۹۵ش). قالب‌های معنایی فعل «رأی» در آیات قرآن کریم و برگردان فارسی (بر پایه نظریه معنانشناسی قالبی چارلز فیلمور). دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۳ (۶)، ۸۳-۵۷.

حسابی، اکبر. (۱۳۹۴). قالب‌های معنایی خوردن از منظر معنانشناسی قالبی. مجله زبان و زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۱ (۲۲)، ۱-۲۶.

دلارامی‌فر، منصوره؛ یوسفیان، پاکزاد و محمد اله‌بخش و همکاران. (۱۳۹۶ش). روابط معنایی فعل گرفتن در زبان فارسی: رویکرد معنی‌شناسی قالب بنیاد فیلمور. پژوهش‌های زبانی، ۸ (۱)، ۹۸-۷۹.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

الرازی، ابوبکر. (۱۹۹۱)، مختار الصحاح. تحقیق: سلیم محمد. بیروت: دارالکتب العلمیة.

مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۵). دائره المعارف قرآن کریم (جلد پنجم). قم: مؤسسه بوستان کتاب.
 نحاس، ابوجعفر. (۱۴۲۱ق). إعراب القرآن. الطبعة الأولى. بیروت: دار الکتب العلمیه.
 هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۸ش). فرهنگ قرآن (کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآن کریم). جلد ششم. قم: مؤسسه بوستان کتاب.

Bibliography

The Holy Quran

Afrashi, Azita. & Asgari, Sanaz. (1396 Sun). The Polynomial of Sensing Verb in Persian: Cognitive and Figurative Research, *Comparative Linguistics Research*, 7 (14), 7-61.
 Afrashi, Azita. Samet, Sajad. (1393 Sun), Systematic Polynomial with Cognitive Approach, Multi-Semantic Analysis of Perception Verb "Hearing" in Persian, *Adab Pazhuhi*, 8(30), 8-30.
 Ahmad Mukhtar, Omar. (1427 AH). *Semantics*, Cairo: Alam Al-Kotob. (1429 AH), Dictionary of Modern Written Arabic, Cairo: Alam Al kotob.
 Ahmadian, Ibrahim et al. (1385 Sun). Shia culture. First Edition, Qom: Zamzam Hedayat.
 Alusi, Tafsir, ruh almaeani: <http://lib.eshia.ir>
 Amozadeh, mohammad, Karimi Doostan. And Gholamhossein, and Sharif, Babak, (1395 Sun). The Semantic Network of "Gereftan" in Persian Based on Principled Polysemy Model, *Linguistic Research*, 7 (1), 117-136.
 Arabzadeh, Elahe. & Sadr Hosseini, Alireza. And Hamid Reza Mir Azimi. (1396 Sun). Factors for the correct insight of the scientific community, in verses and narratives. *Quran and Hadith Research Journal*, (21), 83-106.

الغلابینی. (۱۹۹۹). جامع الدروس العربیه. بیروت: المكتبة العصریه.
 قائمی نیا، علیرضا. (۱۳۸۶ش). زبان شناسی شناختی و مطالعات قرآنی. ذهن، ش ۳۱، ۲۶-۳.
 قعدان، زیدان عبدالفتاح. (۲۰۱۱). المعجم الإسلامی. الطبعة الأولى. عمان: دارأسامة للنشر و التوزيع.
 طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۲ش). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 طبری، محمد بن جریر. (د.ت). تفسیر طبری. مشروع المصحف الإلكتروني، جامعه الملك سعود http://quran.ksu.edu.sa/tafseer/tabary/sura6_8-aya6.html
 طهماسبی، عدنان و صدیقه جعفری. (۱۳۹۳). جستاری در ترجمه از عربی به فارسی با تکیه بر فرایند «معادل‌یابی معنوی» (بررسی موردی رمان السکره). پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۴ (۱۰)، ۹۹-۱۲۰.
 گندمکار، راحله. (۱۳۹۳ش). تحلیل معنایی واژگان فارسی بر مبنای رویکرد معنائشناسی قالب بنیاد. علم زبان، ۲ (۲)، ۱۱۷-۱۴۲.
 مجمع اللغة العربیه بالقاهرة. (د.ت). المعجم الوسیط. القاهرة: دارالدعوة.
 محققیان، زهرا. (۱۳۹۳ش). نشانه‌شناسی لایه ای آیات قرآن کریم با توجه به روابط درون‌متنی و بینامتنی. قرآن شناخت، ۷ (۱)، ۲۷-۴۶.
 مشکین فام، بتول و اعظم دهقانی. (۱۳۹۷). بررسی شناختی شبکه معنایی حرف «ثم» در قرآن کریم. پژوهش‌های زبانشناختی قرآن، ۷ (۲)، ۱-۱۶.

- Meshkinfam, Batool Dehghani, Azam. (1397 Sun). Cognitive study of semantic network of the letter "Thumma" in the Holy Quran, *linguistic research in holy Quran*, 7(2), 1-16.
- Mohagheghian, Zahra. (1393 Sun). Layered semiotics of the Holy Qur'anic verses with regard to intra-textual and intertextual relations. *Quran Cognition*, 7 (1), 27-46.
- Nahas, Abu Ja`far. (1421 AH). 'Hierab alquran, First edition, Beirut: Muhammed Ali Beydoun Publications, Dar Al-Kutub Al-Elmiat.
- Qadan, Zaidan Abdel-Fattah. (2011). *almuejam al'iislami*. First edition, Oman: darasamat llnashr waltawzie.
- Qara'ati, Mohsen. (1387 Sun). *Tafsire noor*, Vol. 7, Tehran: Markaze Farhangie Darshayi az Quran.
- Razi, Abu Bakr. (1971). *Mukhtar al-Sahah*. Investigation: Salim Muhammad, Beirut: Scientific Books House.
- Safavi. Kourosh. (1378 Sun). *An Introduction to Semantics*, Tehran: sureh Mehr.
- Samin Al- Halabi, Ahmed bin Youssef. (1996). *umdat alhifaz fi tafsir 'ashraf al'alfaz. muejam laghawiiin li'alfaz al quran al karim, an investigation: Muhammad Basil Ain al-Soud, Part One*, Beirut: daralakutub aleilmiat.
- Shamli, Nasrollah. And Haji Qasemi, Farzaneh. (1396 Sun). The radial network of the meaning of "seeing" in Nahj al-Balagha sermons based on a molded cognitive semantics. *Journal of Nahj al-Balagheh*, 5 (19), 101-124.
- Sotoudeh Nia, Mohammad Reza. (1388 Sun). Insight in the Quran based on the verse 108 of Sura Yusuf. *Studies in Quran and Hadith*, 2 (2), 141-174.
- Tabari, Tafsir Tabari: http://quran.ksu.edu.sa/tafseer/tabary/sur_a68-aya6.html
- Tabarsi. (1427 AH). *majmae albayan fi tafsir alquran*, First edition, Beirut: Dar Dehkhoda, Ali Akbar. (1377 Sun). *Dehkhoda dictionary*, First edition, Tehran: Tehran University Press.
- Dellaramifar, Mansoura. And Yusufian, Pakzad. And Mohammad Allah Bakhsh et al. (1396 Sun). *Semantic Relationships of Verbs in Persian: A Semantic Approach to the Filmore Foundation*. *Linguistic Research*, 8 (1), 79-98.
- Ghalayini. (1999). *jamie aldurus alearabiati, Arab Lessons Collector*, Beirut: almuktabat aleasriat.
- Gandomkar, Rahele. (1393 Sun). *Semantic Analysis of Persian Words Based on Format-Based Semantics*, *Language science*, 2(2) 117-142.
- Ghaemynia, Alireza. (1386 Sun). *Cognitive Linguistics and Qur'anic Studies*, *Mind*, (30), 3-26.
- Haji Qasemi, Farzaneh. And Shamley, Nasrallah. (1395 Sun). *Semantic Forms of the Verb (رأى) in the Qur'anic Verses and Persian Translation (Based on Charles Filmore's Theoretical Semantic Theory)*, *Two Quarterly Journal of Translation Studies of the Quran and Hadith*, 3 (6), 83-57.
- Hesabi, Akbar. (1394 Sun). *Semantic Templates of Eating from a Formal Semantics Perspective*. *Journal of Language and Linguistics, Humanities and Cultural Studies Institute*, 11 (22), 1-26.
- Ibn Mansur, Mohammad ibn Mokaram. (1414 AH). *Lisan al-Arab*, Beirut, Dar Sadr.
- Ibn kathir, Tafsir Ibn kathir <https://quran.ksu.edu.sa/tafseer/katheer/sura37-aya175.html#katheer>
- Imad al-Din, Abu al-Fedaa. (1421 AH). *tafsir alquran aleazim (Tafsir Ibn Katheer)*, Vol. 10, Investigation: Mustafa Muhammad and the others, Cairo: Cordoba va Avlad Al- Sheikh
- Markaze Maaref Quran. (1385 Sun). *Daerat Al-Maaref Quran Karim*, Vol. 5, Qom: Bustane ketab institute

- Researches on Translation in Arabic Language and Literature, 4(10), Number 10, 99 - 120.
- The Arabic Language Academy in Cairo. (N.D). *almaejam alwasit*, Cairo: Dar Al Dawa.
- Zubaidi, Al-Murtada. (N.D). *Taj al-Arus Min Jawahir al-Qamus*, Beirut: Dar Al-Fekr.
- Al-Mortada.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein. (1392 Sun). *Al-Mizan Fe Tafsir Al-Qur'an*. Translated by: Mohammad Bagher Mousavi Hamedani, Qom: dafter Entesharat Eslami.
- Tahmasbi Adnan, Jafari Sedigheh. (1393 Sun). *Researching in Translation from Arabic into Persian Relying on the Process of "Moral Equivalence"* (Case Study of the Novel *Al-Sukariya*),

